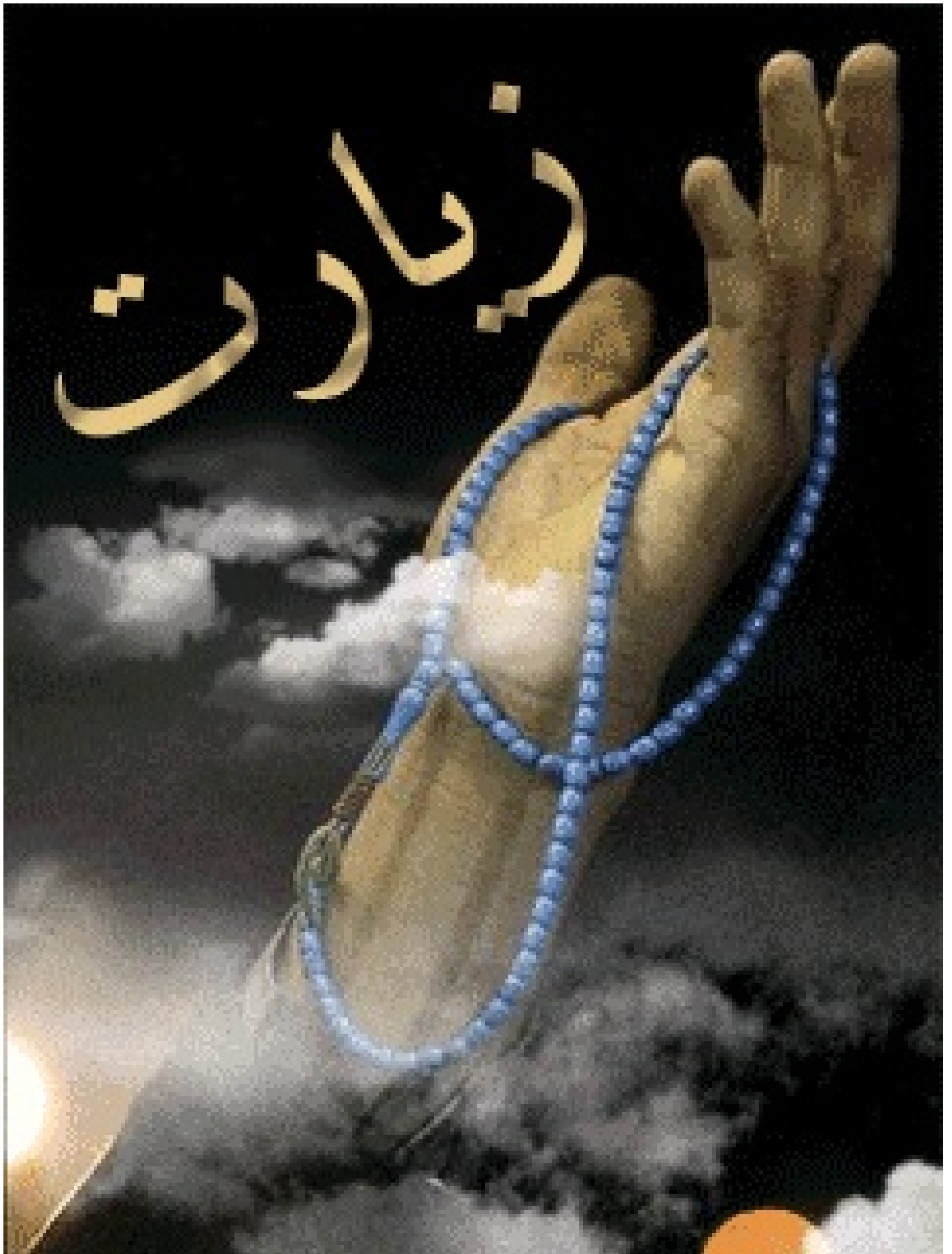


نور فاطمہ زہرا
سلام اللہ علیہا



کتابخانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زیارت

نویسنده:

جواد محدّثی

ناشر چاپی:

معاونت محترم آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	زیارت
۶	مشخصات کتاب
۶	سخن ناشر
۶	پیشگفتار مترجم
۸	بدعتهای بی ریشه
۱۰	تشویق به زیارت پیامبر (ص)
۱۰	سخن پیشوایان مذاهب چهارگانه
۱۳	سه فرع فقهی
۱۴	ادب زائر
۱۶	زیارت قبور
۱۷	زیارت در تاریخ
۲۰	سخن پایانی
۲۱	پی نوشتها
۲۳	مؤسسه نور فاطمه زهرا سلام الله علیها

زیارت

مشخصات کتاب

سرشناسه : محدثی جواد، ۱۳۳۱ - عنوان و نام پدیدآور : زیارت/ جواد محدثی. مشخصات نشر : تهران: بعثه مقام معظم رهبری، معاونت آموزش و تحقیقات ۱۳۷۱. مشخصات ظاهری : ۱۶۸ ص. شابک : ۷۵۰ ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی توصیفی یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. شناسه افزوده : بعثه مقام معظم رهبری، معاونت آموزش و تحقیقات شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۹۲۹۸۸

سخن ناشر

کتاب ارزشمند و عظیم (الغدیر)، اثر محقق بزرگوار و عاشق اهل بیت و مدافع بزرگ حریم ولایت و امامت، علامه عبدالحسین امینی (۱۳۲۰ - ۱۳۹۰ ق) از ذخائر گرانقدر شیعه است که بر اساس قرآن و حدیث و منابع تاریخی به دفاع از حق و رفع و دفع شبهات مخالفان پرداخته و از چنان تتبع و کاوشی عمیق برخوردار است که برای بعضی باور این نکته که این کار بزرگ و سترک از عهده یک نفر برآید، دشوار است. مباحث سودمند و ابتکاری که در الغدیر آمده، سزاوار آگاهی عموم است. اصل کتاب به زبان عربی است و به فارسی هم ترجمه شده است. اما شاید بسیاری از علاقه مندان ولایت، حوصله یا مجال مطالعه مجموعه عظیم و چند جلدی الغدیر را نداشته باشند. از این رو این موسسه بر آن شد که برخی از موضوعات بحث شده در (الغدیر) را، بصورت گزینشی و خلاصه، تدوین و در اختیار عموم قرار دهد، تا از این چشمه فیض، بهره مند شوند. در این کار، علاوه بر ترجمه، نوعی تلخیص و چکیده نویسی به کار رفته است، تا مباحث مبسوط و فنی و نقلهای فراوان یک مساله از منابع بیشمار، برای خواننده فارسی زبان خسته کننده نباشد. امید است که این سلسله جزوات، پیروان اهل بیت (ع) را با معارف شیعی و دیدگاه ها و تحقیقات علامه امینی در اثر ماندگار (الغدیر) آشناتر سازد و گامی در تقدیر از خدمات و زحمات این بزرگ مدافع ولایت علوی محسوب گردد و عنایات خاصه مولی الموحدين، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) را فراهم آورد. ان شاء الله. معاونت پژوهشهای فارسی

پیشگفتار مترجم

زیارت، نوعی رابطه عاطفی و پیوند قلبی میان (زائر) و (مزور) است. وادی زیارت، پیش از آن که وادی معقولات و محاسبات عقلی باشد، وادی دل و جذبه درون است. زائر، اگر بداند و بشناسد که مورد زیارت (کیست؟) دیگر نمی پرسد: (کجاست؟). به راه می افتد و همچون خضر به دنبال آب حیات و چون موسی (ع) در پی (عبد صالح) روان می گردد، تا برسد، بیابد، بهره برگیرد و کامیاب شود. اینجا (دل) است که فرمان می دهد. گامهای زائر، به فرمان عشق و ارادت، راه می پوید. آن چه زائر را به پیمودن راهها و طی مسافتها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وای می دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست. شوق، انسان را کد را حرکت می بخشد و ساکن را (مهاجر) می کند. عشق، معلم انسان و معمار جهان است. عشق، آباد کننده دل است و تحمل را می افزاید. وقتی داغ محبت خدا و رسول و اهل بیت (ع) را بر سینه داشتی، از دشتهای بادیه ها به شوق دیدن و حضور در محضر محبوب می گذاری و تیغ بیابان و خار مگیلان و ملامت حسودان و نامحرمان را هم به جان می خری. و... این، خصیصه محبت است. معشوق برین و محبوب راستین در فرهنگ دینی، خدا و رسول و ائمه معصومین و پاکمردان و صدیقان و شهیدانند

که لایق محبت اند. و همین محبت و دلدادگی است که به همرنگی و همسویی و سنخیت یافتن و حرکت در جهت معشوق و دلداد می انجامد. اگر محبت آمد، طاعت و تبعیت و همراهی هم در پی آن است. آن که عشق و شوق داشته باشد، به زیارت هم می رود. زیارت، دلیل و برهان نمی خواهد! چه برهانی استوارتر از (محبت)؟ چگونه می شود دوستدار پیامبر و اهل بیت و محب صالحین و صدیقین و شهدا و اولیاء خدا بود و شوق دیدارشان یا زیارت مزارشان یا دیدن رد پا و نشان از کویشان نداشت؟ زیارت، نمودی از احساس شوق درونی انسان است. زیارت، زبان علاقه و ترجمان عشق و وابستگی قلبی است. برای عاشق، حتی خانه ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده یا کوچه ای که روزی محبوب از آن گذشته است، یا زمینی که بر آن گام نهاده و شهری که در آن زیسته، دلربا و جاذب است و دوست داشتنی و شوق انگیز. این از یک سو. از دیگر سوی، دیدار و زیارت، معرفت را می افزاید، محبت را ریشه دارتر می کند و قرب مادی قرب معنوی می آورد. قرار گرفتن در فضای خاطره آمیز، وجود سرد را حرارت می بخشد و خانه دل را روشن می سازد. وقتی کسی در مدار عشق و در حیطه و قلمرو محبت اولیاء الهی قرار گرفت، خود این محبت چاره ساز و هدایتگر و حرکت آفرین است. وقتی به زیارت انجامید، خود دیدار، زمینه ساز ارتقای روحی است. زیارت، الهام گرفتن از اسوه هاست، تعظیم شعائر و تقدیر از فداکاریها و پاکیزه است، زمینه ساز شناخت و تربیت است، وقتی امام احمد حنبل، پیراهنی را که متعلق به شافعی بوده است می شوید و آب آن را می نوشدتا از مقام علم تجلیل کرده باشد، (۱) پس ارزش صحابه پیامبر و تکریم آثار بر جای مانده از انبیا و امامان و بوسه زدن بر بارگاه امام معصوم و حجت الهی جای خود دارد. زیارت، خود رامحک زدن و بر (میزان) عرضه کردن است. آن که کنار مرقد یک شهید یا ولی خدا یا پیامبر و امام می ایستد، گویا در برابر آینه ای تمام قد ایستاده است که (سیمای حق) و (قامت فضیلت) را نشان میدهد. دل را برداشتن و به حضور یک پیشوای معصوم بودن، شوق را در یک دیدار عاشقانه، با (خشوع قلب) و (خضوع تن)، تسلیم حجت خدا کردن، و به دیدار مزار، با پای دل ره سپردن و با بال عشق پرواز کردن و بر موج عرفان نشستن و به اوج پیوند رسیدن. اینها نه تعبیری شاعرانه، بلکه مضامینی است که در زیارت، اگر (عارفا بحقه) باشد، تحقق می یابد و زائر، نشسته بر محمل شوق و در کاروان اشک و شوق، از (قال) می گذرد و به (حال) می رسد. و گرنه، جز اینگونه زیارت، حضور (تن) است و غیبت (جان). زیارت، شاهد صدقی بر ارادت است. و... حتی نشان (خط سیاسی) و (جناح فرهنگی) زائر است، که به کجا وابسته است و به دیدار چه کسانی می رود و کجایی است. و... زمینه ساز طهارت روح و توبه از بدیها و گناهان و برگزیدن راهی به سوی پاکیزه و گشودن پنجره ای به سوی نور. (برنامه زیارت)، تعلیم رسول خدا و امامان است و جزء (فرهنگ دینی) است. یکی از موضوعاتی که پیوسته دستاویز مغرضان و دشمنان شیعه، به ویژه (وهابیت) برای تاختن به شیعه بوده است، مساله (زیارت) است. آنان کوشیده اند تا زیارت قبور ائمه و اولیاء دین و دعا و تضرع کنار مرقد معصومین را بدعت و شرک معرفی کنند و از این رهگذر، پیروان اهل بیت (ع) را مشرک قلمداد کنند. مرحوم علامه امینی در (الغدیر)، با تکیه به منابع متعدد و روایات فراوان خود اهل سنت و استناد به سیره رفتاری بزرگان مذاهب اربعه و علمای آنان نسبت به (زیارت)، کوشیده است تا بی پایه بودن ادعاهای وهابیون، بالاخص (ابن تیمیه) و شاگردش (قصیمی) را اثبات کند و نتیجه بگیرد که اگر رفتن به زیارت حریمهای مطهر و بقاع متبرک و زیارت قبور، شرک باشد و با توحیدناسازگار، پس همه مسلمین و صحابه و ائمه مذاهب چهارگانه در طول تاریخ اسلام، از زمان صحابه تاکنون مشرک بودند و تنها ابن تیمیه مسلمان خالص بوده است!.... محتوای این جزوه، ترجمه ای خلاصه شده از مبحث (زیارة مشاهد العترۃ الطاهرۃ) است که در جلد ۵ (الغدیر) از ص ۸۶ تا ۲۰۷ آمده است. در این جا نیز چون بنا بر اختصار و ارائه مفاهیم کتاب با زبانی ساده و روان برای نسل جوان و فارسی زبان بوده است، از آن چه که به پر حجم شدن جزوه می انجامید، چشم پوشیدیم. امید است که این گام کوچک نیز، در آشنایی جوانان و اهل مطالعه به کار عظیم علامه امینی در کتاب الغدیر، مفید و ثمربخش باشد. با آرزوی علو مرتبه برای روح بلند فدایی ولایت و شیفته امیرالمؤمنین (ع) که با تالیف الغدیر، دریایی را در بر که ای گنجانید و همه را به

سیراب ساختن جان در چشمه ولایت فراخواند. قم - جواد محدثی اسفند ۷۵

بدعت‌های بی ریشه

از صدر اسلام، از زمان صحابه نخستین و تابعین سیره بر این جاری بوده است که مزارهایی را که در بردارنده پیامبری یا امامی یا یکی از اولیاء خدا و بزرگان دین است، زیارت کند. قبر مطهر پیامبر اکرم (ص) پیشتر از همه آنها مورد زیارت بوده است. همه فرقه‌های اسلامی، نماز و دعاخواندن نزد این قبور و تبرک و توسل جستن به آنها و تقرب به خدا به وسیله زیارت آنها را قبول داشته‌اند و با همه تفاوت‌های مذهبی، در این مساله اتفاق نظر داشته‌اند. تا آن که (ابن تیمیه) (۲) پدید آمد و همه اینها را به سخره گرفت و آن سنت جاری و مستمر را انکار کرد و مخالفت نمود، آن هم با زبانی گزنده و نیشدار و گستاخانه و دور از ادب! وی فتوا داد که رفتن به زیارت پیامبر (ص) حرام است و این سفر، سفر معصیت است و مسافر زائر باید نمازش را شکسته نخواند. علمای هم عصرش و بستگان وی به مخالفت با او برخاستند و بشدت در رد او سخنها گفتند و کتابها نوشتند و آراء او را باتالیف آثار گرانمایی نقد عالمانه کردند. اهل شام نیز به کفر او فتوا دادند و در پاسخ استفتاءاتی از آنان درباره زیارت قبر پیامبر، بر فضیلت آن و سنت بودنش و اجتماعی بودن مساله تاکید کردند و اظهار کردند که باید ابن تیمیه را از چنین فتواهایی برحذر داشت و اگر دست بر نداشت، زندانی اش کنند و او را به مردم بشناسانند، تا مردم دنبال او نیفتند. (۳) از جمله معاصران او (ذهبی) بود که او را از این گمراهی نهی کرد و در نامه مفصلی خطاب به او چنین نگاشت: (۴) (...افسوس و اندوه، بر از دست رفتن آنان که چون چراغ هدایت و گنجینه خیرات بودند! دریغ از یک درهم حلال و برادری همدم... تا کی خار را در چشم برادرت می بینی و درخت را در چشم خویش نمی بینی؟ تا چند خود را می ستایی و از علما بد می گویی و در پی عیوب دیگرانی؟ با آن که پیامبر فرمود: مردگان را به نیکی یاد کنید... ای مرد! تو را به خدا از ما دست بردار. تا چند این همه پرگویی و پرحرفی در کفریاتی که دلها را کور می کند؟ تا چند بدگویی به صالحان و نیکان؟ شمشیر حجاج و زبان ابن حزم دو برادر بودند که تو به آنان پیوستی ... وای بر آنان که در پی تو افتاده‌اند و در معرض بیدینی قرار گرفته‌اند، بخصوص آنان که کم سواد و بی دینند. بیشتر پیروان تو یا کم خردان یا دروغ بافان کودن‌اند یا حيله گران یا ساده دلان. تا چند خودستایی و بدگویی از نیکان و تحقیر بندگان و دشمنی با زاهدان؟ تا کی سخن خود را بیش از احادیث صحیح می ستایی و احادیث صحیحین را تضعیف یا تاویل می کنی؟ آیا وقت آن نرسیده که بازگردی و توبه کنی؟ پای تو لب گور است. هرچند فکر نمی کنم به یاد مرگ باشی، یا پند مرا به گوش بگیری، بلکه خواهی کوشید که این چند صفحه نوشته مرا با چند جلد کتاب، نقض کنی ... من به این راضیم که آشکارا مرا ناسزا گویی ولی در نهان، از سخنم بهره گیری!...) (۵) دیگران نیز از این سو و آن سو بر او و بدعت‌هایش تاختند و آراء او را که دور از قرآن و حدیث و اجماع و قیاس بود، بدعت شمردند و در دمشق، علیه او چنین فریاد برآوردند: (هر کس پیرو عقاید ابن تیمیه باشد، مال و جان‌ش هدر است). (۶) در نتیجه آن بدعت‌ها از بین رفت و حق روشن گشت و پایدار ماند. خداوند پیوسته در هر قرن کسان را به یاری حق و زدودن باطل و گمراهی می گمارد، تا با دلایل قوی، آن ضلالت‌های پدید آمده را رسوا و نابود کنند و راه روشن حق، برای پویندگان هموار گردد و شعائر الهی، بزرگ داشته شود. اما باز هم روزگار، زاده جهل دیگری به عرصه آورد که به گمراه ساختن مردم و بازداشتن از راه خدا پردازد. در قرن بیستم، (قصیمی) (۷) مولف (الصراع) پیدا شد که گام جای گام ابن تیمیه نهاد و به اغوای مردم پرداخت و مخالفانش را به کفر و ارتداد منسوب کرد و کارهایی از قبیل زیارت، توسل، دعا و نماز کنار قبور مطهر، تبرک جستن و شفاعت خواستن را از آفت‌های شیعه دانست و شیعیان را به خاطر این کارها ملعون و خارج از اسلام دانست، آن هم با زبانی دور از عفت کلام و ادب بحث. در جایی می نویسد: با این غلوی که از شیعه درباره امامانشان دیدم و آن عشقی که به علی و فرزندان‌شان دارند، قبرها و مدفونین قبور را می پرستند، حرما را می سازند و از هر جا به زیارت آنها می آیند و نذر و نیاز و

قربانی و اشک، نثار آنها می کنند و همه خضوع و خشوع خود را مخصوص این قبور می سازند، نه برای خدای یکتا پرستان (۸) و نیز می نویسد: در کارهای مشروع مثل درود و سلام بر پیامبر اکرم (ص) فرقی میان دور و نزدیک نیست. دیدن خود قبر و سنگهای آن نه فضیلتی دارد، نه ثوابی. بلکه حتی دیدن خود پیامبر هم در حال حیات، فضیلتی ندارد، فضیلت در ایمان به او و پیروی از اوست. هیچ مسلمانی نمی تواند برای زیارت قبر آن حضرت، فضیلتی اثبات کند و این از سیره مسلمانان نخستین آشکار است... (۹) شاید خواننده محترم از این همه شدت و حدت او در رد زیارت، بپندارد که لابد نشانی از صدق و راستی در کلام او هست. در حالی که بزرگان مذاهب اسلامی در قرون گذشته، از قرن هشتم و روزگار ابن تیمیه تا زمان محمد بن عبدالوهاب که آن حرفهای کهنه را دوباره زنده کرد، تا زمان حاضر، این سفسطه ها و بافته ها را رد کرده و به کفر پیروان آن اندیشه های دور از سیره مسلمانان حکم کرده اند. اینگونه لحن و لهجه تند و بی ادبانه شایسته مسلمانی که به خدا و رسول و قرآن و سنت معتقد است، نیست و دور از اخلاق و ادب اسلامی است. آیا یک مسلمان می تواند دیدار یک سنگ یا دیدن رسول خدا را در حال حیات، یکسان بدانند، یا آن که برای زیارت او چه در حال زنده بودن یا پس از مرگ، هیچ ارزش و کرامتی نشناسد و این سخن را آشکارا در ملاء عام مؤمنان جار بزند؟ مگر نه این که همه ملتها و جوامع بشری، زیارت بزرگان و رهبران را بزرگ می شمارند و آن را فضیلت و شرف دانسته و برای زائر، افتخار می دانند و به خاطر همین ارزش و کرامت، دیگران هم مشتاق زیارت می شوند؟ این سیره، میان همه جوامع و نسلها و دوره ها رایج بوده و بزرگان را مورد احترام و تبرک قرار می دادند. وقتی عبدالاعلی دمشقی (متوفای ۲۱۸) به مسجد می رفت، مردم صف می کشیدند تا به او سلام دهند و دستش را ببوسند. (۱۰) ابوالقاسم سعد بن علی زنجانی، شیخ مسجد الحرام (متوفای ۴۷۱) وقتی به مسجد الحرام می رفت، مطاف خالی می شد و دست او را بیش از حجر الاسود می بوسیدند و به آن تبرک می جستند. (۱۱) ابواسحاق ابراهیم بن علی شیرازی (متوفای ۴۷۶) به هر شهری می گذشت، مردم آن جا با زنهار و فرزندانشان به استقبال می آمدند و به او تبرک می جستند و دست به رکاب او می کشیدند و از خاک زیر سم استر او بر می داشتند. (۱۲) ابوجعفر حنبلی (متوفای ۴۷۶)، فقها و دیگران به محضرش رفته، دست و سرش را می بوسیدند. (۱۳) عبدالغنی مقدسی حنبلی (متوفای ۶۰۰) در مصر وقتی روز جمعه به مسجد جامع می آمد، از کثرت جمعیت که گرد او جمع می شدند و به او تبرک می جستند، نمی توانست راه برود. (۱۴) عبدالکریم بن عبدالله حنبلی (متوفای ۶۳۵) در روستایی دور از مردم می زیست، مردم برای زیارت و تبرک نزد او می رفتند. جزی محمد بن محمد (متوفای ۸۳۲) چون در شیراز درگذشت، جنازه اش را بزرگان و خواص و عوام بر دوش کشیدند و می بوسیدند و لمس می کردند تا تبرک شوند. و کسی که دستش به تابوت نمی رسید، به کسانی تبرک می جست که به جنازه تبرک بسته بودند. (۱۵) مردم دمشق به شیخ مسعود بن عبدالله مغربی (متوفای ۹۸۵) اعتقاد بسیاری داشتند و به او تبرک می جستند و دستانش را می بوسیدند. نجم غزی می گوید: وی در حق من دعا کرد و دست بر سرم کشید و من تاکنون برکت دعای او را می یابم. (۱۶) وقتی درباره این افراد چنین باشد، درباره سرور کائنات و فخر اولاد آدم چه خواهی پنداشت، کسی که هر روز، فرشتگان آسمانها قبر شریفش را زیارت می کنند و هر صبحدم هفتاد هزار ملائکه فرود آمده و گرد قبر آن حضرت می چرخند و بر او درود می فرستند، غروب به آسمان بالا می روند و همان اندازه فرشتگان دیگر به جای آن ها آمده، همان کار را می کنند، تا زمان رستاخیز. (۱۷) و چه بسیار تفاوت است میان نظر فاسد قصیمی و سخن شیخ تقی الدین سبکی که: سیره صالحان گذشته و سنت دینی، تبرک به برخی از مردگان صالح است، تا چه رسد به پیامبران الهی! کسی که مدعی شود قبور پیامبران مثل مرده های دیگر مسلمان است، حرفی نادرست گفته و مقام رسول خدا را تا مرتبه مسلمانان دیگر پایین آورده است و این کفری آشکار و قطعی است. (۱۸) زشتی و درد بزرگ این است که قصیمی در این بافته ها پیرو ابن تیمیه است و بدعتها و گمراهیهای خود را جزء سیره مسلمانان اولیه می پندارد و گویا در طول زمان تنها قصیمی و استادش ابن تیمیه به سیره مسلمین عمل کرده اند! او زیارت قبور و دعا نزد آن ها را ارتداد و کفر نزد همه مسلمانان می داند که از

غلو شیعه درباره علی و فرزندانش سرچشمه گرفته و ادعا می کند که شیعیان ، علی و فرزندانش را پیامبرانی می دانند که به آنان وحی می شود. همه اینها دستاورد دشمنی و کینه ای است که هر اموی آن را بر ضد شیعه وائمه شیعه ساخته و پرداخته است . اینک سیره مسلمانان نخستین را، از دوران صحابه اولیه و تابعین تا عصر حاضر، نسبت به زیارت پیامبر اکرم (ص) تقدیم شما خوانندگان می کنیم ، تا حجت تمام شود.

تشویق به زیارت پیامبر (ص)

جمع بسیاری از راویان ، همچنین مجموعه فراوانی از مؤلفان ، به نقل احادیث مربوط به زیارت قبر رسول خدا (ص) و فضیلت و ثواب آن پرداخته اند. اینگونه احادیث ، با عبارتهای گوناگونی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است . از جمله : ۱- هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من برای او واجب است . (۱۹) ۲- هر کس به زیارت من آید و جز زیارت من قصد و انگیزه ای نداشته باشد، بر من است که روز قیامت شفیع او باشم . (۲۰) ۳- هر کس حج به جا آورد و پس از وفات من قبر مرا زیارت کند، همچون کسی است که در حال حیاتم مرا دیدار کرده است . (۲۱) ۴- هر کس به زیارت حج رود، ولی مرا زیارت نکند، بر من جفا کرده است . (۲۲) ۵- هر کس قبر مرا (یا: مرا) زیارت کند، برای او شفیع و شاهد خواهم بود و هر کس در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) بمیرد، خداوند روز قیامت او را در زمره ایمنان بر می انگیزد. (۲۳) ۶- هر کس پس از مرگ مرا زیارت کند، چنان است که در حیاتم مرا زیارت کرده است و هر کس در یکی از دو حرم در گذرد، در قیامت جزء ایمنان برانگیخته می شود. (۲۴) ۷- هر کس حج واجب گزارد و قبر مرا زیارت کند و در جنگی شرکت کند و در بیت المقدس بر من درود فرستد، خداوند از او درباره واجبات ، سؤال نمی کند. (۲۵) ۸- هر کس پس از فوت من ، به زیارت من آید، گویا در حال حیات ، مرا دیدار کرده است و هر که مرا زیارت کند، در روز قیامت ، شفیع و شاهد او خواهم بود. (۲۶) ۹- هر کس مرا در مدینه زیارت کند و این زیارت را به حساب خدا بگذارد، شفیع او خواهم بود. (۲۷) ۱۰- هر کس به قصد زیارت من به مدینه آید، روز قیامت شفاعت من برای او واجب و حتمی است و هر کس در یکی از دو حرم بمیرد، ایمن برانگیخته می شود. (۲۸) ۱۱- کسی که به قصد حج ، به مکه آید، سپس در مسجد من مرا قصد کند، برای او دو حج پذیرفته شده نوشته می شود. (۲۹) ۱۲- هر کس پس از وفاتم به زیارت من آید و بر من سلام دهد، من ده بار پاسخش را خواهم داد و ده نفر از فرشتگان او رازیارت می کنند و همه بر او سلام می دهند و هر کس در خانه اش بر من سلام دهد، خداوند روحم را به من بر می گرداند تا بر او سلام دهم . (۳۰) ۱۳- ابوعبدالله محمد به علاء می گوید: وارد مدینه شدم ، در حالی که گرسنگی بر من چیره شده بود. قبر پیامبر را زیارت کرده بر او سلام دادم و بر دو خلیفه نیز. و گفتم : یا رسول الله ! آمده ام ، در حالی که تهیدستی و گرسنگی ام را جز خداوند کسی نمی داند و من امشب مهمان تو هستم . آن گاه خواب مرا ربود. در خواب پیامبر را دیدم که گرده نانی به من بخشید. نصف آن را خوردم . از خواب که بیدار شدم نیم دیگر نان در دستم بود. اینچنین درستی کلام پیامبر برایم ثابت شد که فرموده است : هر کس مرا در خواب ببیند، مرا به حق دیده است ، چون شیطان به قیافه من در نمی آید، سپس ندایی رسید که : ای ابوعبدالله ! هیچ کس نیست که قبر مرا زیارت کند، مگر آن که آمرزیده شود و فردای قیامت به شفاعتم نائل آید. (۳۱)

سخن پیشوایان مذاهب چهار گانه

پیرامون زیارت قبر پیامبر اکرم (ص) از دیرباز تاکنون ، پیشوایان مذاهب چهار گانه سخنانی گفته اند که کلام آنان قابل توجه است . برخی از این سخنان روشن و گویا را می آوریم : (۳۲) ۱- حسین بن حسن حلیمی جرجانی شافعی (متوفای ۴۰۳): امروز، از جمله کارهای مربوط به گرامیداشت پیامبر، اکرم ، زیارت اوست . (۳۳) ۲- احمد بن محمد محاملی شافعی (متوفای ۴۲۵): مستحب است

حاجی وقتی از اعمال حج در مکه فارغ شد، قبر پیامبر (ص) را زیارت کند. (۳۴) ۳ - قاضی طاهر بن عبدالله طبری (متوفای ۴۵۰): مستحب است که حاجی پس از انجام حج و عمره، پیامبر (ص) را زیارت کند. ۴ - ابوالحسن ماوردی (متوفای ۴۵۰): سرپرست حجاج، هنگام بازگشت از حج، باید زائران را از راه مدینه برگرداند تا قبر رسول خدا (ص) را زیارت کنند، تا خداوند نیز پاداش حج بیت الله و زیارت قبر رسول الله را برای آنان جمع کند، این برای رعایت احترام و ادای حقوق طاعت اوست. این گرچه از واجبات حج نیست، ولی از مستحبات دین و از کارهای پسندیده حجاج است. (۳۵) ۵ - ابواسحاق شیرازی شافعی (متوفای ۴۷۶): زیارت قبر رسول خدا (ص) مستحب است. (۳۶) ۶ - قاضی عیاض مالکی (متوفای ۵۴۴): زیارت قبر پیامبر (ص) سنتی است اجماعی و فضیلتی است که به آن تشویق شده است. وی پس از نقل تعدادی از احادیث این موضوع، گفته است: فقیه اسماعیل بن ابراهیم گفته است: همواره از جمله شؤن کسی که به حج می رود، زیارت مدینه و آهنگ نماز در مسجد رسول خدا (ص) است و نیز تبرک به دیدن حرم پیامبر و منبر و مرقد او و جایی که آن حضرت می نشست و دست می کشیده و گام می نهاده است و ستونی که به آن تکیه می داد و خانه ای که جبرئیل در آن جا بر پیامبر وحی می آورد و نیز دیدن و تبرک جستن به قبر کسانی از صحابه و پیشوایان اسلام که این مسجد و حرم را آباد کرده و به دیدارش آمده اند. همه اینها مورد نظر است. (۳۷) ۷ - محمد عبدالکریم بن عطاء مالکی (متوفای ۶۱۲): هر گاه حج و عمره تو به نحوی که در دین بیان شده به پایان رسید، دیگر اعمالی باقی نمانده است مگر رفتن به مسجد پیامبر (ص) و سلام دادن بر او و دعا در کنار مرقدش و سلام به دو همراهش و رفتن به بقیع و زیارت قبور صحابه و تابعینی که در آن جاست و نماز خواندن در مسجد پیامبر. کسی که بتواند، شایسته نیست اینها را ترک کند. (۳۸) ۸ - ابن ابی سنینه، محمد بن عبدالله سامری حنبلی (متوفای ۶۱۶): وی فصلی درباره زیارت قبر پیامبر اکرم (ص) گشوده است و گفته است: کسی که به مدینه وارد می شود، مستحب است برای ورود به آن غسل کند. سپس آداب زیارت و کیفیت سلام بر پیامبر و دعا و وداع را بیان کرده است. (۳۹) ۹ - ابن قدامه، موفق الدین عبدالله بن احمد مقدسی حنبلی (متوفای ۶۲۰) وی فصلی در کتاب خود پیرامون استحباب زیارت قبر پیامبر گشوده و دو حدیث معروف (ابن عمر) را درباره زیارت آن حضرت نقل کرده است. (۴۰) ۱۰ - محیی الدین نووی شافعی (متوفای حدود ۶۷۷): پس از فراغت از حج، مستحب است نوشیدن آب زمزم و زیارت قبر رسول خدا (ص). (۴۱) ۱۱ - قاضی ابوالعباس احمد سروجی حنفی (متوفای ۷۱۰): هر گاه حجاج و عمره کنندگان از مکه بازگشتند، روی به جانب مدینه منوره و زیارت قبر رسول اکرم (ص) کنند، که این از پسندیده ترین تلاشهاست. (۴۲) ۱۲ - امام محمد بن محمد عبدیری قیروانی مالکی (متوفای ۷۳۷): اما در آستانه بزرگوار پیامبران الهی، زائر باید از راههای دور به سوی قبور آنان برود و زیارتش همراه با خاکساری و تواضع و نیازمندی و خشوع باشد و در محضر آنان دل و جان را حاضر سازد و آن بزرگواران را نه با چشم سر، که با چشم دل بنگرد، چرا که آنان نمی پوشند و تغییر نمی کنند، آن گاه خدا را ثنا گوید و پیامبران و اصحابشان را درود گوید و در برآمدن حاجتهایش و آرزوش گناهایش در پیشگاه خداوند به آنان توسل جوید و از آنان نیازهایش را بطلبد و یقین داشته باشد که به برکت آنان، دعایش مستجاب و حاجاتش روا می شود، چرا که آنان درب گشوده الهی اند و سنت خدا بر این جاری است که حاجتها را به دست آنان برآورد... این نسبت به زیارت پیامبران الهی، اما در زیارت سرور اولین و آخرین، پیامبر اسلام (ص) همه آن چه را ذکر شد، چند برابر انجام دهد، چرا که او شفیع قیامت و قطب دایره کمال است و هر که به آستان او روی آورد، نومید نمی گردد و حاجاتش برآورده می شود. شاهد آن، آثار و نشانه های تحقق یافته است. باید در زیارت او ادب کلی داشت. زائر باید خود را در برابر آن حضرت و در حال حیات او احساس کند؛ چرا که برای او موت و حیات، بی تفاوت است، امت را می بیند و از کارها و نیتها و خطورات ذهنی آنان آگاه است... توسل به آن حضرت، بارهای سنگین گناهان را فرو می ریزد و شفاعتش بزرگترین گناهان را هم بخشوده می سازد. مژده باد بر زائرش. هر که به زیارتش توفیق نیابد، به شفاعتش پناه آورد. خدایا ما را از شفاعتش محروم مکن. محروم کسی است که عقیده ای جز این داشته باشد... و جز

معاندان با خدا و رسول و منکران دین ، در مقام شفاعت آن حضرت نسبت به گنهکاران ، شک نمی کنند. (۴۳) ۱۳ - شیخ تقی الدین سبکی شافعی (متوفای ۷۵۶) در رد این تیمیه کتابی درباره زیارت پیامبر اکرم (ص) نوشته است ، به نام (شفاء السقام فی زیارة خیر الانام) و در فصلی از آن احادیث بسیاری در این زمینه نقل کرده و در فصلی هم سخنان علمای مذاهب چهارگانه را پیرامون استحباب آن و اجماعی بودن مساله آورده است ، از جمله گفته است : وقتی علما نسبت به مساله اجماع دارند، نیازی به کاوش سخنانشان نیست و زیارت قبر پیامبر از برترین مستحبات و موجب قرب به خداوند است. (۴۴) چگونه می توان نسبت به پیشینیان این توهم را داشت که از زیارت پیامبر منع کرده اند؟ در حالی که نسبت به زیارت مردگان دیگر همه اتفاق نظر دارند! وقتی زیارت قبر دیگران مستحب باشد، پس زیارت قبر آن حضرت استحباب بیشتری دارد، چرا که حق او بر امت بیشتر و احترامش لازمتر است ... زیارت آن حضرت برای تعظیم و تبرک جستن است و با سلام و درود ما، رحمت او به ما می رسد و خود پیامبر به ما آموخته است که بر او سلام و صلوات بفرستیم و او را وسیله قرار دهیم تا رحمت الهی به ما برسد... خود او فرموده است که قبر مرا زیارت کنید تا به شفاعتم نائل آیید. هرکس از زیارت او منع کند، از پیش خود دینی ساخته و پرداخته است و هرکس به تصور اینکه ترک بزرگداشت و تعظیم آن حضرت ، ادب با پروردگار است ، تکریم آن حضرت را ترک کند، بر خدا دروغ بسته و حق رسولان را تباه ساخته است . زیارت و تعظیم مشروع ، هیچ منعی ندارد... مردم همواره قبل از حج یا بعد از حج به زیارت آن حضرت می رفته اند و اگر مدینه سر راه آنان هم نبوده ، با پیمودن راه بسیار و خرج مال و فدا کردن جان به زیارتش می رفتند و این را طاعت و موجب قرب به خداوند می دانستند و در میان این مردم ، عالمان و صالحان و دیگرانی هم بوده اند که همه قربه الی الله این کار را می کردند و محال است که همه بر خطا رفته باشند. (۴۵) ۱۴ - زین الدین ابوبکر بن حسین قریشی عثمانی مراغی (متوفای ۸۱۶): سزاوار است که هر مسلمان اعتقاد داشته باشد که زیارتش قربت است ، هم به خاطر احادیث بسیار، هم آیه (ولو انهم اذ ظلموا...) و گرامیداشت او با وفاتش پایان نمی پذیرد. (۴۶) ۱۵ - نورالدین سمهودی (متوفای ۹۱۱): همه علما بر استحباب زیارت قبور برای مردان اتفاق نظر دارند. قبر شریف پیامبر، دلائل ویژه ای دارد. در زیارت قبر آن حضرت ، فرقی میان زنان و مردان نیست و بر زنان نیز مستحب است. (۴۷) ۱۶ - ابوالعباس قسطلانی مصری (متوفای ۹۲۳): زیارت قبر شریف او از بزرگترین و برترین عبادتها و راهی برای رسیدن به درجات عالی است و هر که جز این عقیده داشته باشد از اسلام بیرون رفته و با خدا و رسول و علما مخالفت کرده است ... سفر برای زیارت قبر او موجب تقرب به خداست و اگر کسی نذر کند، عمل به آن واجب است . در این مورد، این تیمیه سخن زشت و شگفتی دارد که رفتن به زیارت پیامبر را منع کرده و آن را موجب قرب نمی داند. (۴۸) ۱۷ - ابن حجر مکی شافعی (متوفای ۹۷۳): پس از آن که دلائل مبسوطی بر مشروعیت زیارت قبر پیامبر اکرم (ص) آورده و از جمله به اجماع استدلال کرده است ، در پاسخ به اینکه چه اجماعی است که ابن تیمیه برخلاف آن نظر داده است ، می نویسد: ابن تیمیه کیست که در مسائل دینی به حرفش توجه و اعتنا شود؟! او به تعبیر علمایی که حرفها و استدلالهایش را خوانده و آن ها را ابطال کرده اند، بنده ای گمراه و دروغگو است که گرفتار حرمان و خواری شده است . لغزش او خطایی جبران ناپذیر است که شومی آن استمرار یافته است و شگفت نیست ، چرا که او فریب خورده شیطان و نفس اماره است و بر خلاف همه علما سخن گفته است. (۴۹) ۱۸ - زین الدین عبدالرؤف مناوی (متوفای ۱۰۳۱): زیارت قبر شریف رسول خدا (ص) از کمالات حج است ، بلکه زیارت او نزد صوفیه واجب است و نزد ایشان هجرت به سوی قبر آن حضرت همچون هجرت به سوی او در حال حیات اوست. (۵۰) ۱۹ - حسن بن عمار شرنبلانی : زیارت پیامبر از برترین مستحبات است که به درجه واجبات نزدیک است ، چرا که آن حضرت با تاکید به آن فراخوانده و فرموده است : (هرکس بتواند ولی زیارت نکند بر من جفا کرده است ...) نزد محققان چنین ثابت است که او زنده است و از همه عبادتها بهره می برد، جز این که از دیده کوتاه نظران پنهان است. (۵۱) ۲۰ - محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی (متوفای ۱۱۲۲): زیارت قبر پیامبر در زمان صحابه بزرگوار مشهور و میان آنان رایج بوده است . حتی عمر بن خطاب هنگام صلح با مردم بیت

المقدس که کعب الاحبار مسلمان شد، به او گفت: می خواهی با من به مدینه بروی و قبر پیامبر خدا را زیارت کرده و از این زیارت بهره مند شوی؟ او هم گفت: آری. (۵۲) ۲۱ - محمد بن علی شوکانی (متوفای ۱۲۵۰): در مورد زیارت پیامبر، سخن علما مختلف است. اغلب، آن را مستحب دانسته اند. برخی از مالکیه و بعضی از ظاهریه آن را واجب شمرده اند. حنفیان آن را نزدیک به واجبات شمرده اند. ابن تیمیه آن را حرام دانسته است. دلیل قائلین به مشروعیت، سیره مسلمانانی است که پیوسته از دیرزمان از همه جای عالم به زیارت حج می آمدند، سپس برای زیارت پیامبر اکرم (ص) به مدینه می رفتند و این را از بهترین کارها می شمردند و کسی آن را رد نکرده است و مساله اجتماعی است. (۵۳) ۲۲ - محمد بن سید درویش الحوث بیرونی (متوفای ۱۲۷۶): زیارت پیامبر، مطلوب است، چرا که او واسطه خلق است و زیارتش پس از وفات، همچون هجرت به سوی او در حال حیات است و هر که آن را انکار کند، خطایی عظیم کرده است و اگر ناآگاه است، باید او را آگاه ساخت. (۵۴) ۲۳ - شیخ حسن عدوی شافعی (متوفای ۱۳۰۳): وی ضمن بحثی مفصل که درباره زیارت پیامبر و مطلوب بودن آن از نظر قرآن و حدیث و اجماع و قیاس دارد و آداب زیارت را بیان کرده است، پس از نقل تعدادی از روایات مربوط به اینکه رسول خدا (ص) سلام زائر را می شنود و جواب می دهد، می گوید: اینکه پیامبر اکرم خودش سلام زائر را پاسخ می گوید، امری حتمی و بدون شک است. این فضیلت دیگری است که زائران قبرش به آن نائل می شوند و این افتخار را می یابند که پیامبر، صدای آنان را بی واسطه می شنود و خودش جوابشان را می دهد. با این حال، چگونه کسی که این افتخار را می یابد، از زیارتش عقب بماند یا از رسیدن به بارگاهش سستی کند؟ به خدا قسم تنها آنان که از خیرها و از طاعتهای قرب آور دورند، در عین توانایی از زیارتش کوتاهی می کنند!... ما معتقدیم که آن حضرت، زنده است و روزی می برد و زمین جسد مطهرش را نمی خورد. پیامبران دیگر نیز چنین اند. (۵۵) ۲۴ - سید محمد بن عبدالله جردانی شافعی (متوفای ۱۳۰۷): گفته اند که برای زائر قبر رسول خدا (ص) ده کرامت است: رتبه بالا، دست یافتن به خواسته ها، برآمدن حاجات، موهبت یافتن، ایمنی، پاکیزگی از عیوب، آسان شدن مصیبتها، برطرف شدن گرفتاریها، فرجام نیک، رحمت پروردگار. زیارت قبر او از برترین طاعات و موجب قرب به خداست، برخی هم آن را واجب شمرده اند. سزاوار است که به آن تشویق شود و اگر کسی بتواند، به ویژه پس از اعمال حج، هرگز زیارت او را وانگذارد، چرا که حق آن حضرت بر امت بسیار بزرگ است و اگر کسی از دورترین راهها با سر به زیارتش آید، حق پیامبر را ادا نکرده است!... وی سپس فصلی درباره زیارت مدینه و آداب آن و زیارت دو خلیفه و حضرت فاطمه (ع) و اهل بقیع و مزارهای مشهور مدینه را که به سی مورد می رسد، بحث کرده است. (۵۶) ۲۵ - مفتی بیروت، شیخ عبدالباسط بن علی فاخوری: زیارت پیامبر اکرم (ص) بسیار موکد و مطلوب و مستحب است و زیارت آن حضرت در مدینه، همچون حال حیاتش سنت است و از بهترین تلاشها و با فضیلت ترین اعمال و پاکترین عبادات است و هر که بخواهد زیارتش کند، باید از هر چیز که مخالف روش و سیره امت نیزطبق همین روایات جریان یافته است، تا آن - شیخ محمد زاهد کوثری: احادیث در زیارت آن حضرت فراوان است و سیره امت نیزطبق همین روایات جریان یافته است، تا آن که ابن تیمیه راه خدا را از راه مسلمانان جدا کرد و سفر برای زیارت پیامبر را حرام دانست. تلاش او در منع مردم از زیارت آن حضرت، نشانه کینه او با پیامبر است. نسبت به مسلمانانی که آن حضرت را بنده و فرستاده خدا می دانند و در نمازهای خود روزی دست کم نزدیک به بیست بار به عبودیت و رسالت او شهادت می دهند چگونه می توان آنان را مشرک دانست؟ عالمان پیوسته مردم را به زیارت تشویق کرده و آنان را از بدعتها باز داشته اند. ابن تیمیه اولین کسی بود که مسلمین را به خاطر زیارت قبر رسول، به شرک متهم کرد و از خدا نترسید که سفر زائران قبرش را سفر معصیت دانست که باید مسافر، نمازش را تمام بخواند! (۵۸)

سه فرع فقهی

شکی نیست که علمای مذاهب اهل سنت، همگی بر استحباب زیارت قبر پیامبر (ص) و محبوبیت سفر به آن دیار، از سرزمینهای

دیگر نظر داده اند. از سه مساله و فرع فقهی نیز، این اتفاق نظرشان بر می آید: ۱ - نظریه فقههای مذاهب چهارگانه در این که کدام یک از حج خانه خدا یا زیارت قبر رسول خدا (ص) را باید مقدم داشت، مختلف است. بعضی فضیلت آغاز به زیارت مدینه قبل از مکه را بیشتر دانسته اند، برخی هم برعکس آن گفته اند. روایاتی که گویای شروع جمعی از یاران پیامبر از مدینه، سپس رفتن به مکه است، دلیل گروهی از علماست. برخی هم مانند ابوحنیفه، شروع از مکه را بهتر دانسته اند. آنان هم به پاره ای از احادیث استدلال کرده اند. (۵۹) ولی اصل اینکه زیارت پیامبر، پسندیده و مستحب است، مورد قبول هر دو گروه است. ۲ - از جمله مسائلی که میان همه مسلمانان از گذشته تا کنون، جاری و مورد قبول بوده است، نایب یا اجیر گرفتن برای زیارت پیامبر (ص)، برای کسی است که خودش نمی تواند به حج برود. احادیث فراوانی نقل شده که عمر بن عبدالعزیز، از شام نایب می گرفت که در مدینه سلامش را به محضر پیامبر اکرم (ص) برساند. (۶۰) نمونه های دیگری هم نقل شده است. این نیز دلیل آن است که زیارت مرقد رسول خدا، نزد مردم جایز و متداول بوده که برای آن نایب می گرفتند. شافعیه نیز برای جواز اجاره و جعله برای خواندن دعا نزد قبر پیامبر یا رساندن سلام به او، به کار عمر بن عبدالعزیز، استناد کرده اند. (۶۱) حتی جمله سلام به نیابت را هم گفته اند که چنین باشد: السلام علیک یا رسول الله من فلان بن فلان ... ۳ - نذر کردن برای رفتن پیاده به سوی مسجد الحرام و مکه یا برای زیارت قبر پیامبر در مدینه، مشروع است و چنین نذری واجب است ادا شود و نذر پیاده رفتن به زیارت قبر پیامبر، از کعبه و بیت المقدس با فضیلت تر است. این نیز از گفته های علمای اهل سنت است. ابن حجاج گفته است این مطلب، درست و مسلم است و جز مشرک یا دشمن خدا و رسول در آن شک نمی کند. (۶۲) پیش از همه اینها، آداب و سننی که در مورد زیارت روایت شده است، نشان دهنده جواز و استحباب زیارت و مشروعیت آن است. اگر اصل زیارت، مستحب و مطلوب نبود، در آداب زیارت و زائر این همه روایات نقل نمی شد.

ادب زائر

درباره زیارت و کیفیت و آداب آن، در منابع اهل سنت و عبارات علمای آنان مطالب مفصلی بیان شده است. حتی برخی از علما درباره آن دست به تالیف مستقلی زده اند. (۶۳) در این جا با استناد به متون یاد شده، به این آداب اشاره می شود: ۱ - اخلاص نیت در زیارت، چرا که ارزش کارها به نیت است. زائر نیز باید قصد تقرب به خدا داشته باشد. ۲ - شوق دائمی داشتن به زیارت پیامبر محبوب (ص). ۳ - دعا خواندن هنگام خروج از منزل: بسم الله و توکلت علی الله و لا حول و لا قوة الا بالله ... ۴ - در مسیر و طول راه، درود و سلام فراوان گفتن بر پیامبر اکرم (ص) بلکه همه وقت خود را با این کار پر کردن. ۵ - در طول راه، دنبال مساجد و آثار منسوب به پیامبر بودن و با زیارت و تبرک و نماز خواندن در آنها، به احیا و زنده نگهداشتن آنها پرداختن. ۶ - خضوع و خشوع داشتن هنگام نزدیک شدن به حرم مدینه و دیدن نشانه های شهر و ادای احترام به حرم نبوی. مانعی ندارد که از مرکب فرود آید و پیاده رود، بعنوان تواضع در آستان خداوند و احترام به پیامبر اکرم. بعضی از بزرگان نیز در گذشته چنین می کردند. ۷ - هنگام رسیدن به مدینه، دعای ورود خواندن: اللهم هذا حرم رسول الله (ص) ... ۸ - اگر راهش از ذوالحلیفه است، هنگام عبور از معرس پیاده شود. ۹ - غسل از چاه حره یا... برای وارد شدن به مدینه، و پوشیدن بهترین لباسها و عطر زدن. ۱۰ - دعای هنگام ورود از دروازه شهر: بسم الله ما شاء الله لا قوة الا بالله ... ۱۱ - خضوع و خشوع، هنگام دیدن قبه حرم و عظمت آن را در نظر آوردن و جای گامهای رسول خدا (ص) را در اندیشه آوردن و قدم نهادن با وقار و آرامش. ۱۲ - در حد توان امر به معروف و نهی از منکر کردن و برای هتک حرمت آن حضرت و تزییع حقوقش خشمناک شدن. ۱۳ - با دیدن مسجد النبی، خشوع بیشتر داشتن و تلاش برای ادای احترام و تعظیم. ۱۴ - ورود از باب جبرئیل. ۱۵ - لحظه ای ایستادن در مقابل در و اذن ورود طلبیدن. ۱۶ - با قلبی آرام وارد شدن و پای راست را نهادن و دعا خواندن. ۱۷ - به طرف (روضه) - بین قبر مطهر و منبر - رفتن و دو رکعت

نماز و سپس سجده شکر. ۱۸ - هنگام زیارت ، به عنوان ادب ، سرپا ایستادن و اگر زیارت طولانی باشد، دو زانو نشستن و خود را در محضر رسول الله دیدن . ۱۹ - به عنوان ادب ، دست راست روی دست چپ نهادن . ۲۰ - سیمای حضرت را در نظر آوردن ، پشت به قبله رو به روی او مؤدبانه ایستادن و به پایین دیواره مرقد نگرستن . ۲۱ - در زیارت ، صدایی متعادل داشتن ، نه آهسته ، نه فریاد. ۲۲ - زیارتنامه آن حضرت را خواندن : السلام علیک یا رسول الله ... (۶۴) ۲۳ - دعا و زیارت در بالای سر آن حضرت : اللهم انی قلت و قولک الحق ... (۶۵) ۲۴ - کنار قبر، بر آن حضرت صلوات و درود فرستادن با عبارتهای مختلف از جمله : اللهم صل علی محمد و آله و صحبه ... (۶۶) ۲۵ - به آن حضرت متوسل شدن و او را در پیشگاه خدا شفیع قرار دادن و از خداوند آمرزش خواستن و بسیار تضرع کردن به درگاه خدا و استغاثه و توسل داشتن . ۲۶ - تبرک جستن به قبر شریف و خود را بر آن مالیدن و بوسیدن . (بزرگان مذاهب چهارگانه هیچ کدام به حرمت آن فتوا نداده اند. امثال ابن تیمیه و پیروانش که حکم به حرمت داده اند، از راه حق بیرون رفته و بی دلیل سخن گفته اند و به گفته های آنان اعتنایی و اعتباری نیست). به نقل بسیاری از علمای اهل سنت ، (۶۷) حضرت فاطمه (ع) پس از فوت رسول خدا (ص) کنار قبر او آمده و مشتی از خاک آن برداشت و بر دیده نهاد و گریست و در سوگ پدر مرثیه خواند: ماذا علی من شم تربۀ احمد.... بلال هم پس از رحلت پیامبر، در پی خوابی که دید و پیامبر او را به زیارت خود فراخواند، به مدینه آمد و چهره بر قبر آن حضرت نهاد و گریست و نمونه های دیگری که نشان می دهد مسلمانان در همان دوران با زیارت قبر پیامبر و تبرک جستن به آن ، ادای احترام و ابراز شوق می کردند. این از بدعت های امویان و گمراهی های آنان از دوران صحابه بود که از توسل به قبور پاک جلوگیری می کردند. بویژه مروان که از بنی امیه بود کینه خاصی به پیامبر خدا داشت ، چرا که پیامبر، لعنت و رسوایشان کرده بود. برای یک مسلمان سزاوار نیست که در پی آنان بیفتد که دین خدا را به بازیچه گرفتند و در احکام الهی دست بردند و بندگان پروردگار را به بردگی و ذلت نشاندند. راویان و بزرگانی از پیشینیان ، دست کشیدن به قبر پیامبر و بوسیدن آن را به قصد ثواب الهی جایز شمرده اند. (۶۸) امام احمد حنبل نیز بوسیدن قبر پیامبر و منبر او را جایز دانسته است . (۶۹) وقتی امام محمد، پیراهن شافعی را شسته ، غسله آن را به عنوان تبرک می نوشد (۷۰) و به اهل علم این گونه احترام می کند، جایگاه صحابه پیامبر و آثار انبیاء روشن است . عبدالله بن عمر، دست راست بر قبر پیامبر می نهاد، بلال چهره بر تربت پیامبر می سایید، اینها همه از محبت و احترام و ادای حق سرچشمه می گیرد. قاضی عیاض ، سخنی طولانی در تعظیم قبر پیامبر دارد و می گوید: جایی را که با وحی الهی آباد شده و محل آمد و شد فرشتگان و تسبیح و تقدیس کرویایان بوده و دین خدا از آن جا به هر سو تابیده ، جایی که خاستگاه و جایگاه رسول خاتم است ، سزاوار تکریم و تعظیم و بوسیدن صحن و دیوارهاست . (۷۱) با آن همه روایات و آداب و سنن و با این همه نمونه ها و شواهد (۷۲) از بزرگان دین و رفتار مسلمین نسبت به تکریم و ادای احترام و تبرک و توسل به قبر مطهر حضرت رسول (ص)، ابن تیمیه گستاخانه و بی ادبانه ، ره سپردن و مسافرت برای زیارت پیغمبر اکرم را معصیت دانسته و کار متوسلان کنار قبر را شرک شمرده است ! در حالی که آن حضرت ، مقام شفاعت دارد و دعایش مستجاب است و باید حاجت و نیاز به آستانش برد. ۲۷ - زیارت ابوبکر بن ابی قحافه . ۲۸ - زیارت عمر بن الخطاب . (۷۳) ۲۹ - به عنوان ادب در محضر پیامبر، در حرم مطهرش زیاد توقف نکردن ، بلکه به مقدار نماز و دعا. ۳۰ - زیارت وداع و دعا برای توفیق زیارت دوباره . ۳۱ - زیارت همه روزه بقیع ، به ویژه روز جمعه و دیدار قبر عباس عموی پیامبر، امام مجتبی ، امام زین العابدین ، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام)، ابراهیم پسر پیامبر، همسران پیامبر، عمه پیامبر، جمع بسیاری از صحابه و تابعین که در بقیع مدفونند. (۷۴) ۳۲ - زیارت شهدای احد، و بهتر است که روز پنج شنبه باشد، به ویژه قبر حضرت حمزه که برخی روز مخصوص او را دوشنبه دانسته اند. برای زیارت حضرت حمزه و شهدای دیگر احد نیز زیارتنامه های خاصی نقل شده است . ۳۳ - زیارت کوه احد. پیامبر اکرم فرمود: احد کوهی است که ما را دوست دارد، ما هم آن را دوست داریم . ۳۴ - رفتن به مسجد قبا، که بهتر است روز شنبه باشد، یا دوشنبه یا پنج شنبه ، به ویژه هفدهم رمضان . و مستحب است نماز و دعا در آن جا، پیامبر اسلام نماز در مسجد

قبا را برابر با یک عمره دانسته است . ۳۵ - تبرک جستن به آن چه از آثار نبوت باقی مانده است و جاهای مقدس در مدینه که به سی مورد می رسد. ۳۶ - سوغات آوردن از خرماي مدینه و آب چاههای آن و هنگام بازگشت به وطن وقتی بر بلندیها می رسند تکبیر بگویند و دعا بخوانند. (۷۵)

زیارت قبور

در روایات صحیح فراوانی به زیارت قبور تشویق شده و عملی مستحب و سودمند به حساب آمده است . این روایات ، هم مورد اتفاق علماست ، هم طبق مفاد آن فتوا داده اند، حتی برخی به وجوب هم قائل شده اند. به برخی از این روایات اشاره می شود که از قول رسول خدا (ص) نقل شده است : ۱ - شما را از زیارت گورها نهی کرده بودم ، آگاه باشید، قبرها را زیارت کنید. (۷۶) ۲ - قبرها را زیارت کنید، چرا که این کار، هم علاقه و دلبستگی شما را به دنیا کم می کند و هم آخرت را به یادتان می آورد. (۷۷) ۳ - شما را از زیارت قبرها نهی کرده بودم ، ولی قبور را زیارت کنید، که اینها یادآور مرگ است . (۷۸) ۴ - شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم ، پس هر که بخواهد قبری را زیارت کند، زیارت کند، همانا این کار، دل را رقیق می کند، چشم را اشگبار می سازد و آخرت را به یاد می آورد. (۷۹) ۵ - طلحه بن عبدالله گوید: همراه پیامبر خدا (ص) بیرون شدیم و او قصد زیارت قبور شهدا را داشت ... چون به مزار شهیدان رسیدیم ، فرمود: اینها قبرهای برادران ماست . (۸۰) ۶ - سراغ مردگان خود بروید و بر آنان سلام دهید (یا صلوات بفرستید)، همانا برای شما عبرت و پند است . (۸۱) ۷ - از زیارت مردگان شما را نهی کرده بودم ، آگاه باشید و به زیارت آنان بروید و زیارت خود را وسیله نماز و دعا خواندن بر آنان و استغفار بر ایشان قرار دهید. (۸۲) ۸ - به نقل عایشه ، حضرت رسول ص به بقیع می رفت و خطاب به مدفونین آن جا چنین می فرمود: سلام بر شما، ای خانه مؤمنان . خداوند آن چه را به شما وعده فرموده عطا کند. ما نیز به شما خواهیم پیوست . خدایا خفتگان بقیع را بیامرز! (۸۳) ۹ - رسول خدا (ص) ابتدا از زیارت قبور نهی کرده بود، سپس اجازه داد و فرمود: زیارت قبور شما را به یاد آخرت می اندازد. (۸۴) ۱۰ - حضرت فاطمه (ع) هر جمعه قبر عمویش حمزه را زیارت می کرد و آن جا کنار مرقد نماز می خواند و می گریست . (۸۵) اینها روایاتی است که علمای اهل سنت آن ها را نقل کرده و صحیح دانسته اند. از این نمونه احادیث بسیار است که به همین چند مورد بسنده می کنیم . خود حضرت رسول (ص) به سفارش خداوند و پیغام آوری جبرئیل ، به زیارت قبور بقیع می رفت و بر آنان سلام می داد و از خداوند برایشان رحمت و آمرزش می طلبید. متن جملات و دعاهاي پیامبر برای مدفونین بقیع ، در کتب حدیث آمده است . (۸۶) امیرالمؤمنین علی (ع) نیز به زیارت قبور در کوفه می رفت و بر ساکنان آن دیار سلام می داد و بر خفتگان آن گورهای خاموش ، مغفرت می طلبید و دعا می خواند. (۸۷) محمد بن حنفیه بر قبر امام حسن مجتبی (ع) ایستاد و اشک ریخت و برای آن حضرت دعا کرد و رنج فراق و اندوه جدایی از آن امام را که بازمانده فرزندان انبیاء و از اصحاب کساء بود، بازگفت . (۸۸) علی بن ابی طالب (ع) بر قبر (خباب) ایستاد و او را دعا کرد و اسلام و جهاد او را ستود و از خداوند برایش درخواست اجر کرد. (۸۹) عایشه بر قبر پدرش ابوبکر ایستاد و سلام و دعایش کرد. (۹۰) حسن بصری وقتی به دیدار قبور می رفت دعا می خواند و برای مردگان مغفرت می طلبید. (۹۱) ابن سماک بر قبر داود بن نصیر طائی می ایستاد و سلام می گفت و فضایل او را بر می شمرد. (۹۲) اینها و بسیاری نمونه های دیگر و سخنانی که از بزرگان مذاهب اربعه نقل شده است ، نشان می دهد که زائر می تواند به زیارت میت برود و با هر لفظی که می خواهد برای او دعا کند و هر چه می خواهد از فضایل و مناقب او بر شمارد و آن چه را که موجب جلب رحمت الهی است بر زبان آورد. بزرگان اهل سنت درباره زیارت قبور، سخنان بسیاری گفته اند که به عنوان نمونه به خلاصه چند کلام از آنها اکتفا می کنیم : ۱ - عبدی مالکی (متوفای ۷۳۷): وی پس از ذکر سلام خاصی در دیدار اهل قبور، می افزاید: هر چه بتوانی ، کم یا زیاد برای اموات دعا کن که آنان بسیار نیازمندند و دستشان از عمل کوتاه است . رو به روی میت می نشینی ، تا می توانی برایش دعا

می کنی ، نزد قبور برای رفع گرفتاریها و اندوهها از خدا حاجت می طلبی . اگر مرده ، از آنان است که امید برکت به آنان می رود ، به آنان متوسل می شوی و ابتدا به حضرت رسول توسل می جویی که او عمده است ، سپس به کسانی که پیرو او بوده اند ، سپس به اهل آن قبور و صالحین برای قضای حاجتها و آمرزش گناهان متوسل می شوی و برای خودت و پدر و مادر و استادان خویش و خویشاوندان و اهل آن قبرستان و مسلمانان دیگر زنده یا مرده ، دعا می کنی ... (۹۳) ۲ - شیخ یوسف اردبیلی شافعی (متوفای ۷۷۶): برای مردان مستحب است دیدار قبور و برای زنان مکروه است . مستحب است وقتی کنار قبور ایستاده ای بگویی : (سلام علیکم دار قوم مومنین و...) و به قبر نزدیک شوی همچنانکه در حال حیات به صاحب قبر نزدیک می شوی ، رو به قبر بایستی و برایش دعا کنی . مرده هم مثل زنده ، امید رحمت و برکت دارد. (۹۴) ۳ - ابن حجر مکی (متوفای ۹۷۳) در پاسخ به سوالی که از او درباره زیارت قبور اولیاء شده ، در مواقعی که ازدحام جمعیت می شود و مفاسد و اختلاط زنان و مردان پیش می آید ، می گوید: زیارت قبور اولیاء ، عبادت و مستحب است ، همچنین رفتن به زیارت . زائران هم از این دیدار ، به حسب شناخت و معرفتشان بهره می برند و نذر برای زیارت هم منعقد می شود و آن بدعتها و گناهان که در سوال آمده ، موجب نمی شود که زیارت ترک شود ، بلکه انسان باید به زیارت برود و اگر بتواند آن بدعتها و محرمات را هم جلوگیری کند... (۹۵) ۴ - خطیب شربینی (متوفای ۹۷۷): مستحب است وضو برای زیارت قبور و سلام دادن زائر قبور مسلمین روبه قبله و خواندن قرآن نزد قبرها و دعا برای میت ، چرا که دعا پس از قرائت ، به اجابت نزدیکتر است . مستحب است هرچه بیشتر به زیارت قبور نیکان و صالحان بروند و نزد قبرها بمانند. (۹۶) ۵ - محمد امین مشهور به ابن عابدین (متوفای ۱۲۵۳): زیارت قبور مستحب است و هر هفته خوب است به زیارت بروند و روز جمعه و شنبه و دوشنبه و پنج شنبه بهتر است . اموات ، روز جمعه و یک روز قبل و بعد از آن ، آمدن زوار را می فهمند ، پس بهتر است که زیارت قبور جمعه ها باشد. زیارت قبور شهدای احد نیز مستحب است . پیامبر اکرم (ص) سالی یک بار به زیارت شهدای احد می آمد و بر آنان سلام می داد و دعا می کرد. از این بر می آید که زیارت ، هرچند از راه دور ، مستحب است ... (۹۷) ۶ - ابراهیم الباجوری (متوفای ۱۲۷۷): زیارت قبور برای مردان مستحب است ولی برای زنان مکروه است ، چون کم طاقت و بی تابند ، مگر زیارت قبر پیامبر (ص) که برای زنان نیز مستحب است . قبور انبیاء و اولیاء نیز چنین است . خوب است که هنگام زیارت قبور ، زائر قرآن بخواند و ثوابش را هدیه به آنان کند و از طرف آنان صدقه دهد. (۹۸) ۷ - فقهای مذاهب چهارگانه گفته اند: زیارت قبور ، برای پند گرفتن و یاد آخرت ، مستحب است و روز جمعه و یک روز قبل و بعد آن بهتر است . سزاوار است که زائر به دعا و تضرع و عبرت گرفتن از مردگان مشغول باشد و برای مرده قرآن بخواند ، چرا که این کار برای او سود دارد... در این زیارت هم فرقی بین راه دور و نزدیک نیست ، بلکه مسافرت برای زیارت مردگان ، بخصوص صالحان مستحب است . اما زیارت قبر پیامبر (ص) از بزرگترین عبادات است . (۹۹) با این حرفها و نمونه ها که گذشت ، ادعاهای بی اساس و تهمت های ناروای ابن تیمیه و پیروانش روشن می شود. آنان هم کس را که مخالف دیدگاهشان بوده به چیزهای باطل متهم کرده اند و زیارت و نذر برای زیارت قبور و... را از شعائر شیعه دانسته اند که روی غلو نسبت به علی (ع) و فرزندان او وجود آورده اند. این جز دروغی بیش نیست . در مساله ای که همه امت اسلامی بر آن اتفاق دارند ، شیعه تکروی نمی کند. نذر قربانی برای پیامبران و اولیاء امری مشروع است که سیره مسلمانان هم بر آن جاری بوده است و نیت آن هم رساندن ثواب به صاحب قبر و تقرب به خدای متعال است و چنین نذرهایی صحیح است و وفای به آن لازم . کوتاه فکران جاهل ، از روی بی خبری هر نوع توسل به انبیاء و اولیاء را کفر و شرک می دانند و نذر و نیاز در آستان آنان را همچون قربانی کردن در پای بت می شمارند و این از نهایت گمراهی آنان و جسارت به ساحت اولیاء الهی خبر می دهد.

زیارت قبور و تبرک و توسل به آن ها و ختم قرآن برای صاحبان قبور و دعا و نماز در کنار آنها، چیزی نیست که از ابداعات شیعه باشد. ریشه های تاریخی این مساله گویای جریان این سنت در زندگی مسلمانان است. از روزهای نخست و قرون پیشین، پیوسته قبرهایی مورد زیارت مسلمانان بوده است. درسی که از این نکته می توان گرفت، شناخت سیره مسلمانان و شعائر آنان و سنتهایشان از دیر باز تاکنون است. اینک به نمونه هایی از این نکته در تاریخ شخصیت های دینی توجه کنید: ۱- بلال حبشی مؤذن پیامبر اکرم که در سال ۲۰ درگذشت، قبرش در دمشق است و بالای قبر او نام و تاریخ او ثبت است. دعا در این محل مستجاب است و بسیاری از نیکان و تبرک جویان و اولیاء، آن را آزموده اند. (۱۰۰) ۲- سلمان فارسی که در سال ۳۶ درگذشت، قبر او هم اکنون در نزدیکی ایوان کسری مشهور است و ساختمان و خدای دارد که به آن بقعه رسیدگی می کنند. (۱۰۱) ۳- طلحه که در جنگ جمل در سال ۳۶ کشته شد. به نقل ابن بطوطه: بقعه او داخل شهر بصره است و قبه ای دارد و مسجدی و در گوشه ای برای واردین و زائرین طعام می دهند. بصریان او را بسیار بزرگ می دارند. در بصره قبور دیگری هم هست که به صحابه و تابعین تعلق دارد و نام صاحب قبر و تاریخ وفاتش بر آنها نگاشته شده است. (۱۰۲) ۴- زبیر، متوفای سال ۳۶. به نقل ابن جوزی: در سال ۳۸۶ مردم بصره ادعا کردند که جسد او را از قبری قدیمی، تازه و با لباس یافته اند، او را درآورده، کفن کردند و پس از دفن بر قبر او قبه ای ساختند و برای آن خادم و موقوفاتی قرار دادند. (۱۰۳) ۵- ابو ایوب انصاری در سال ۵۲ در روم درگذشت. مردم به زیارت قبر او می روند و هنگام خشکسالی هم با توسل به قبرش باران می طلبند. (۱۰۴) قبر او ساختمان سفید، دیوار و قبه ای داشته که قندیلی توسط یک زنجیر از سقف آن آویزان بوده است. (۱۰۵) ۶- مشهد راس الحسین (ع). در مصر، محلی است که می گویند سر مطهر سید الشهداء (ع) آن جا مدفون است، در تابوتی نقره ای در زیرزمین، که بنایی شکوهمند و زیبا و آراسته با دیبای گران قیمت و افراشته با ستونهای بلند دارد، با قندیل های نقره ای، چشم نواز و خوش منظره، و چنان زیباست که به وصف نمی آید. بر دیواره آن حرم و مسجد، سنگی سیاه و براق، همچون آینه هندی صیقل خورده است که مردم آن را بعنوان تبرک لمس می کنند و بصورت انبوه در کنار آن گرد آمده، دعا می کنند و اشک می ریزند و به برکت آن تربت مقدس به خدای سبحان متوسل می شوند و چنان می نالند که از سنگ ناله می خیزد و دل آب می شود! (۱۰۶) شیخ عبدالله شافعی در کتاب خود، فصلی مبسوط به توصیف آن جا و بیان فضیلت و آداب زیارتش پرداخته و بخشی از کراماتی را که از آن حرم دیده شده نقل کرده و آن ها را صحیح دانسته است. (۱۰۷) حمزوی عدوی (متوفای ۱۳۰۳) در کتاب خویش پس از سخنی مفصل درباره این بارگاه شریف که مرتبط به سر مبارک امام حسین (ع) است، می گوید: سزاوار است که این حرم را بسیار زیارت کنند و به خدا توسل جویند و از این امام، آن چه را که در حال حیاتش می خواستند، بطلبند، چرا که او وسیله اندوه زدایی است و زیارتش موجب رفع گرفتاریهاست و هر که به آن توسل جوید، دلش به نور الهی متصل می گردد. آن گاه نمونه ای نقل می کند که همه کتابهای (ابن سنت) (محمد شلبی) را از خانه اش دزدیدند. ناراحت و متحیر بود که چه کند. به این حرم آمد و در ضمن اشعاری که سروده بود استغاثه به آن حضرت کرد. پس از زیارت وقتی پس از مدتی به خانه آمد، دید همه کتابها بدون کم و کاست در جای خود است. خداوند ما را هم توفیق قرب به او و بوسیدن آستانش عنایت فرماید. (۱۰۸) ۷- عمر بن عبدالعزیز، خلیفه اموی، متوفای ۱۰۱. قبر او در (دیر سمعان) زیارتگاه مردم است. (۱۰۹) ۸- ابوحنیفه، پیشوای حنفیه، متوفای ۱۵۰. قبرش در (اعظمیه) بغداد، مزاری معروف است و به نقل خطیب بغدادی، شافعی همه روزه به زیارت قبرش می رفته و تبرک می جسته است و هنگام پیش آمدن مشکل، دو رکعت نماز خوانده و کنار قبرش می آمده و از خداوند، برطرف شدن نیازش را می طلبیده است. (۱۱۰) در قرون بعد، بر مزار او قبه و بارگاهی ساختند و مسجدی بنا کردند. در سفر نامه ابن جبیر و تاریخ ابن خلکان آمده است که در قرن پنجم، حرمی با شکوه و قبه ای سفید و بلند داشته است. ۹- مصعب بن زبیر، متوفای ۱۵۷. به نقل ابن جوزی قبر او در (مسکن) مثل قبر امام حسین (ع) مورد زیارت مردم بوده است. (۱۱۱) ۱۰- لیث بن سعد حنفی پیشوای مصر، قبر او زیارتگاه مردم است. (۱۱۲) ۱۱- مالک بن انس

، پیشوای مذهب مالکی ، متوفای ۱۷۹. قبرش در بقیع است و قبه ای داشته (۱۱۳) و فقهای اهل سنت زیارتش را مستحب دانسته اند.

۱۲ - امام موسی بن جعفر (ع) که در سال ۱۸۳ شهید شد و در کاظمین مدفون گشت . حتی بزرگان اهل سنت مثل حسن بن ابراهیم خلال ، هنگام مشکلات ، با زیارت و توسل به قبر او حاجت می گرفتند. (۱۱۴) وقتی امام جواد (ع) در بغداد درگذشت ، کنار قبر جدش موسی بن جعفر (ع) دفن شد. مرقد این دو زیارتگاه عموم است. (۱۱۵) ۱۳ - امام علی بن موسی الرضا (ع) که در طوس مدفون است . ابوبکر بن خزیمه و ابوعلی ثقفی و گروهی از بزرگان علمای حدیث هنگام ورود به طوس ، دیدند که این خزیمه در برابر آن قبر مطهر، تعظیم و تواضع و تضرع فوق العاده ای داشت که همه شگفت زده شدند. (۱۱۶) ۱۴ - عبدالله بن غالب بصری که در سال ۱۸۳ در روز ترویه کشته شد. مردم خاک قبر او را همچون مشک گرفته و در لباسهای خودشان قرار می دادند. (۱۱۷) ۱۵ - معروف کرخی ، متوفای ۲۰۰ هجری . قبر او مشهور است و بسیاری از مردم برای قضای حوائج و رفع نیازهای خود به زیارت آن می روند و حاجت می گیرند. قبر او در بغداد قبه و بارگاهی داشته و مردم به برکت قبرش باران می طلبیدند و به زیارت آن می رفتند. (۱۱۸) ۱۶ - عبیدالله بن محمد بن عمر بن علی بن الحسین (ع) که قبر او در (باب البردان) بغداد معروف و زیارتگاه است و حاجتمندان به قصد زیارت و تبرک و حاجت گرفتن به آن جا می روند و برای آن نذر و نیازهای فراوان می کنند. حتی داستانی درباره عضدالدوله دیلمی نقل شده و علت نامگذاری آن جا به (مشهد النذور) بیان گشته است . صاحب این قبر، شهیدی است از نوادگان امام سجاد (ع) است که در گریز از تعقیب خلیفه بود. او را زنده زنده دفن کردند. مردم هر نذری که برای این قبر می کنند، حاجتشان روا می شود. از این رو آن جا به قبر النذور شهرت یافته است. (۱۱۹) ۱۷ - محمد بن ادریس شافعی ، پیشوای مذهب شافعی و متوفای ۲۰۴. قبر او در (قراه) مصر، زیارتگاه مردم است و قبه و ضریح دارد. (۱۲۰) ۱۸ - بانو نفیسه ، دختر حسن بن زید بن علی بن ابی طالب (ع)، که در سال ۲۰۸ درگذشت . معروف است که دعا نزد قبر او مستجاب است. (۱۲۱) ۱۹ - احمد بن حنبل ، پیشوای مذهب حنبلی متوفای ۲۴۱. قبر او نیز مشهور است و ضریحش زیارتگاه مردم در بغداد است . حتی بزرگان بسیاری به زیارت قبر او عنایت داشته اند و علی رغم ازدحام جمعیت پیرامون قبرش ، منتظر فرصتی می ماندند تا خلوت شود و به قبر او نزدیک شوند. بارها بر قبرش قبه ای ساخته اند و ویران شده است. (۱۲۲) حنبلی ها به او و قبرش و زیارت مرقدش عقیده بسیار دارند و از راههای دور برای زیارت می روند و مقامات بالایی برای آن معتقدند. ۲۰ - ذوالنون مصری ، متوفای ۲۴۶. مدفنش در قراه است و بقعه ای دارد و در کنار او گروهی از صالحان هم مدفونند. (۱۲۳) ۲۱ - بکار بن قتیبه بصری حنفی ، متوفای ۲۷۰ در مصر. قبر او نیز زیارت می شود و آن را مترک و دعا نزد آن را مستجاب می دانند. (۱۲۴) ۲۲ - ابراهیم حربی ، متوفای ۲۸۵ که مدفنش در خانه خود است و مردم به آن تبرک می جویند. (۱۲۵) ۲۳ - اسماعیل بن یوسف دیلمی . قبرش پشت قبر معروف کرخی است و زیارت می شود. (۱۲۶) ۲۴ - علی بن محمد بن بشار، متوفای ۳۱۳. قبرش در بغداد، زیارتگاه است. (۱۲۷) ۲۵ - یعقوب بن اسحاق نیشابوری اسفراینی ، متوفای ۳۱۶. قبرش در اسفراین مزار مردم است که به آن تبرک می جویند و آستان می بوسند و احترام می گزارند. (۱۲۸) ۲۶ - عبدالله بن احمد بن طباطبای مصری ، متوفای ۳۴۸. قبرش در مصر مشهور است و به اجابت دعا در بقعه او معتقدند. (۱۲۹) ۲۷ - علی بن محمد عامری ، متوفای ۴۰۳. پس از مرگش مردم شبهای متوالی کنار قبرش مانده ، برایش قرآن و دعا خواندند و شاعران نیز از جاهای مختلف آمدند و برایش مرثیه سرودند و رحمت طلبیدند. (۱۳۰) ۲۸ - ابوسعید خرگوشی ، متوفای ۴۰۶. قبرش در نیشابور مشهور و مزار مردم است. (۱۳۱) ۲۹ - ابوجعفر بن ابی موسی ، متوفای ۴۷۰. وی پیشوایان حنبلیان در زمان خود بود. او را در قبر احمد بن حنبل به خاک سپردند. مردم ملازم قبرش بودند و هر شب چهارشنبه کنار قبرش بیدار می ماندند و برایش ختم ها می گرفتند. در آن ایام ده هزار ختم بر او خواندند و پیرامون قبر او آباد شد و فروشنده هایی به عرضه اجناس پرداختند. (۱۳۲) ۳۰ - نورالدین محمود بن زنگی ، متوفای ۵۶۹. قبر او در دمشق زیارتگاه مردم است و مردم به پنجره های آن دخیل می بندند و رهگذران به آن تبرک می جویند. نقل می کنند که همراه او سه تار از موی صورت رسول خدا

(ص) مدفون است و سزاوار است هرکس او را زیارت می کند، در زیارت خود، پیامبر اکرم (ص) را هم نیت کند. (۱۳۳) ۳۱ - احمد بن جعفر خزر جی که در مراکش در سال ۶۰۱ در گذشته است. مردم برای دیدار قبرش تجمع می کنند و اجابت دعا کنار قبرش مجرب است و مردم هنگام زیارت، هدایا و نذرهای فراوانی از طلا و نقره تقدیم می کنند که همه صرف نیازمندان آن منطقه می شود. مولف (نیل الابتهاج) گوید: این وضع تاکنون ادامه دارد و من بیش از پانصد بار آن را زیارت کرده ام و بیش از سی شب آن جا بیتوته داشته ام و برکتهای بسیاری دیده ام. (۱۳۴) ۳۲ - احمد بن علوان. برای او هم کراماتی نقل میکنند. از جمله آن که فقهای که از نسل او بودند و او را قبول نداشتند در عین حال در مصائب و مشکلات، به قبر او پناه می بردند تا از گزند حکومت محفوظ بمانند. ۳۳ - ابو عبدالله قرشی اندلسی. وی در بیت المقدس در گذشت. قبرش همانجاست و مردم به زیارتش می روند. (۱۳۵) ۳۴ - ابوبکر بن عبدالله عیدروس، متوفای ۹۱۴ در عدن. مزار او در آن جا بسیار مشهور است و از جاهای دور برای زیارت و تبرک به آن جا می روند و گروهی عقیده دارند هرکس هفت روز پیایی او را زیارت کند حاجتش برآورده می شود. (۱۳۶) و... نمونه های بسیاری که در کتب تاریخ و شرح حال و زیارتگاهها آمده است. (۱۳۷)

سخن پایانی

آن چه تاکنون گذشت، شمه ای مختصر از موارد و شواهدی بود که نشان می داد از زمان صحابه و تابعین تا دوره های بعد، میان همه مسلمانان متداول بوده است که قبر پیامبر بزرگوار و مرقد پیشوایان و اولیاء و صالحان و علما را زیارت کنند و از راه دور، به قصد این زیارت حرکت کنند و به برکت این مزارها به درگاه خداوند متوسل شوند و شفاعت بطلبند. این زائران، افراد بی سواد و بی خبر از دین و روایات هم نبوده اند که به جهل و خرافه نسبت داده شوند. میان آنان تعدادی فراوان از علما و پیشوایان مذاهب هم بوده اند که مقتدای مردم محسوب می شدند. ناقلان این خبرها و نمونه های تاریخی هم اغلب، علما و پیشوایانی بوده اند که با نقل خود بر آن عمل صحه گذاشته و پسندیده اند و در فضیلت مدفونین آن مزارها و صاحبان آن حرما داد سخن داده اند. همه مسلمانان در همه دورانها بر این موضوع، اتفاق نظر داشته اند و این بیانگر نوعی اجماع ثابت و محقق میان طبقات مسلمین است و همه این شیوه را پسندیده و به آن عمل می کرده اند. با توجه به مطالب نقل شده، چه ارزش و اعتباری برای سخنان و عقاید (ابن تیمیه) و پیروان کوردل او - از جمله قصیمی - باقی می ماند؟ آیا مسلمانان نخستین، آن دعاها و نمازها و تبرک ها را که کنار قبور داشتند، کفر می دانستند و در عین حال به وسیله آن ها به خداوند تقرب می جستند؟ هرگز! ما هیچ گروهی از مسلمانان را به چنین انحرافی متهم نمی کنیم. آیا هیچ یک از اعمال یاد شده، مخصوص شیعیان بوده است؟ نه به خدا قسم. آیا آن چه شیعه در کنار قبور ائمه و اولیاء دین انجام می دهند و ابن تیمیه همه آنها را نشانه غلو و خداپنداشتن علی (ع) و اولاد او از طرف شیعه معرفی می کند، چیزی جز همان کارهایی است که اهل سنت و در پیشاپیش آنان علما و پیشوایانشان در کنار قبور انجام می دهند و از زمان صحابه تاکنون، رسم بوده که کنار قبور، به بیان فضایل مدفونین در آنها می پرداخته اند و می پردازند؟! و جز این است که بزرگان اهل سنت هم کنار قبرها دعا می خوانند، قرآن تلاوت می کنند و ثوابش را به روح صاحب قبر اهدا می کنند و به توسل و شفاعت طلبی و حاجت خواستن از خدا به برکت مقام آنان می پردازند، چهره بر ضریح می ساینند، آستان می بوسند و به هر نحو ممکن و شایسته، احترام کرده و بزرگداشت می دارند؟! اگر پندارهای موهوم ابن تیمیه و پیروانش درست باشد و این کارها بدعت و گمراهی و غلو باشد و انجام دهنده آنها از مسلمانی بیرون باشند، (پس در همه دهر، یک مسلمان نبود!) مگر ابن تیمیه و همفکرانش. خوب است یک بار دیگر به گفتار (قصیمی) بنگریم و خوب ارزیابی کنیم که در این گونه مطالب مهم، میان شیعه و مذاهب چهارگانه تفاوتی نیست. تنها مساله ای که هست، هوای نفس یا دشمنی و غرض، ابن تیمیه و پیروانش را بر دشمنی با شیعه و افروختن شعله کینه و عداوت با آنان واداشته است. با قلمهای مسموم به ایجاد تفرقه پرداخته، گروههای مسلمان را به

یکدیگر بدین ساخته اند. اینان قلبهایی بسته و مهر خورده دارند و دنباله رو هواهای خویشند. (پایان)

پی نوشتها

۱- در همین کتاب مطالعه خواهید کرد. ۲- متوفای ۷۲۸ در دمشق. از منحرفانی که بر ضد شیعه و عقاید آنان و نیز علیه فرقه های دیگر مسلمین حرفهای بسیار گفته و نوشته است و نظرات او پایه تفکرات انحرافی وهابیت است. (ر.ک: (ابن تیمیه، حیات و عقائده)، صائب عبدالحمید، مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه، قم). ۳- از جمله: محمد بن ابراهيم بن سعد الله شافعی، محمد بن جریری حنفی، محمد بن ابی بکر مالکی، احمد بن عمر مقدسی حنبلی. ۴- نامه مفصل است، بخشی از آن ترجمه شد (مترجم). ۵- (تكملة السيف الصقيل)، کوثری، ص ۱۹۰. ۶- (الدرر الكامنه)، ابن حجر عسقلانی، ج ۱ ص ۱۴۷. ۷- عبدالله قصیمی، از مؤلفان معاصر ضد شیعه، ساکن قاهره. کتاب او به نام (الصراع بين الاسلام والوثنيه) در الغدير، ج ۳ ص ۲۸۸ نقد شده و به شبهات و دروغهای او پاسخ گفته شده است (مترجم). ۸- (الصراع)، ج ۱ ص ۵۴. ۹- همان، ص ۱۷۸. ۱۰- (تاریخ خطیب بغدادی)، ج ۱۱ ص ۷۳. ۱۱- (تذکره الحفاظ)، ذهبی، ج ۳ ص ۳۴۶؛ (صفوة الصفوة) ابن جوزی، ج ۲ ص ۱۵۱. ۱۲- (البدایة و النهایة)، ابن کثیر، ج ۱۲ ص ۱۲۳. ۱۳- همان، ص ۱۱۹. ۱۴- (المواهب اللدنیة)، قسطلانی، ج ۴ ص ۳۴۶. ۱۵- (مفتاح السعادة)، ج ۱ ص ۳۹۴. ۱۶- (المواهب اللدنیة)، ج ۸ ص ۴۰۹. ۱۷- (سنن دارمی)، ج ۱ ص ۴۴؛ (کنز المطالب)، حمزوی، ص ۲۲۳. ۱۸- (الشفاء) ص ۹۶. ۱۹- (من زار قبری وجبت له شفاعتی) این حدیث را از ۴۱ نفر از راویان و حافظان اهل سنت با ذکر منابع نقلها آورده است، الغدير، ج ۵ ص ۹۳. ۲۰- (من جاءنی زائراً لا تعمله - لا تحمله - الا زیارتی، کان حقاً علی ان اکون له شفیعاً يوم القيامة) این حدیث نیز از ۱۶ منبع مهم اهل سنت نقل شده است، ص ۹۷. ۲۱- (من حج فرار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی)، از ۲۵ منبع نقل شده است، ص ۹۸. ۲۲- (من حج البيت و لم یزرنی فقد جفانی)، از ۹ مدرک نقل شده است، ص ۱۰۰. ۲۳- (من زار قبری (او من زارنی) کنت له شفیعاً (او شهیداً) و من مات فی احد الحرمین بعثه الله عز و جل فی الامنین يوم القيامة)، از ۱۱ مدرک نقل شده است، ص ۱۰۰. ۲۴- (من زارنی بعد موتی فکانما زارنی فی حیاتی و من مات فی احد الحرمین بعث يوم القيامة من الامنین)، از ۱۳ ماخذ نقل شده است، ص ۱۰۱. ۲۵- (من حج حجة الاسلام و زار قبری و غزا غزوة و صلی علی فی بیت المقدس لم یسأله الله عز و جل فیما افترض علیه)، از ۴ ماخذ نقل شده است، ص ۱۰۲. ۲۶- (من زارنی بعد موتی فکانما زارنی و انا حی و من زارنی کنت له شهیداً و شفیعاً يوم القيامة)، از ۷ ماخذ نقل شده است، ص ۱۰۲. ۲۷- (من زارنی بالمدينة محتسباً کنت له شفیعاً)، از ۲۱ ماخذ نقل شده است، ص ۱۰۲. ۲۸- (من اتی المدينة زائراً لی وجبت له شفاعتی يوم القيامة و من مات فی احد الحرمین بعث امناً)، از ۳ منبع نقل شده است، ص ۱۰۵. ۲۹- (من حج الی مکه ثم قصدنی فی مسجدی کتبت له حجتان مبرورتان)، از ۲ منبع نقل شده است، ص ۱۰۶. ۳۰- (من زارنی بعد وفاتی و سلم علی رددت علیه السلام، عشرا و زاره عشرة من الملائكة کلهم یسلمون علیه و من سلم علی فی بینه رد الله تعالی علی روحی حتی اسلم علیه)، ص ۱۰۷. ۳۱- همان: (لا یزور قبری احد الا غفر له و نال شفاعتی غدا). ۳۲- علامه امینی در اینجا به ۴۲ نمونه از این سخنان استناد کرده است. چون بعضی از آنها طولانی است و نقل همه به طول می انجامد، ناگزیر برخی از آنها را می آوریم. (مترجم). ۳۳- (المنهاج فی شعب الايمان). ۳۴- (التجريد). ۳۵- (الاحکام السلطانیة)، ص ۱۰۵. ۳۶- (المهذب). ۳۷- (شفاء). ۳۸- در کتاب مناسک. ۳۹- (المستوعب). ۴۰- (المغنی). ۴۱- (المنهاج)، در حاشیه شرح مغنی، ج ۱ ص ۴۹۴. ۴۲- (الغایة). ۴۳- (المدخل) ج ۱ ص ۲۵۷. ۴۴- (شفاء السقام)، ص ۴۸. ۴۵- همان، ص ۵۹ تا ۸۷. ۴۶- (تحقیق النصرة فی تاریخ دار الهجرة). ۴۷- (وفاء الوفاء) ج ۲ ص ۴۱۲. ۴۸- (المواهب اللدنیة) فصل ۲. ۴۹- (الجواهر المنظم فی زیارة القبر المکرم)، ص ۱۲، چاپ مصر. ۵۰- (شرح الجامع الصغیر)، ج ۶ ص ۱۴۰. ۵۱- (مراقی الفلاح بامداد الفتاح). ۵۲- (شرح المواهب) ج ۸ ص ۲۹۹. ۵۳- (نیل الاوطار) ج ۴ ص ۳۲۴. ۵۴- حاشیه (حسن الاثر)، ص ۲۴۶. ۵۵- (کنز المطالب)، ص ۱۹۵. ۵۶- (مصباح الظلام)، ج ۲

ص ۱۴۵. ۵۷- (الكفايه لذوى العنايه)، ص ۱۲۵. ۵۸- (تكملة السيف الصقيل)، ص ۱۵۶. ۵۹- (شفاء السقام)، تقى الدين سبكي، ص ۴۲. ۶۰- ر.ك: (شعب الايمان). بيهقي، (مناسك) احمد بن عمرو نيلي، (شفاء)، قاضى عياض، (مثير الغرام الساكن) ابن جوزى، (شفاء السقام) سبكي و... ۶۱- (شفاء السقام)، ص ۵۰. ۶۲- (المدخل)، ج ۱ ص ۲۵۶. ۶۳- همچون فاكهى مكى (متوفى ۹۷۲) با عنوان (حسن التوسل فى آداب زيارة افضل الرسل) كه مشتمل بر ۹۴ ادب از آداب زيارت و مسافرت است. ۶۴- مولف در اينجا متن ۹ زيارتنامه مختلف را از منابع گوناگون اهل سنت آورده كه جهت اختصار، از نقل آن ها چشم پوشيديم (مترجم). ۶۵- اينجا هم مولف، متن چند دعا را آورده است. ۶۶- چندين صورت صلوات بر آن حضرت در كتاب نقل شده است. ۶۷- از جمله: ابن جوزى در وفاء، قسطلانى در مواهب، شراوى در اتحاف، سمهودى در وفاء الوفاء، حمزاوى در مشارق الانوار، عمر رضا كحاله در اعلام النساء و... ۶۸- (العلل و السؤالات)، عزبن جماعه حموى. ۶۹- (فتح المقال)، مقرى مالكى. ۷۰- (تاريخ ابن كثير)، ج ۱۰ ص ۳۳۱. ۷۱- (شفاء)، قاضى عياض مالكى. ۷۲- مولف، نمونه هاى متعددى از رفتار و سيره پيشينيان نسبت به قبر پيامبر اكرم آورده است كه جهت اختصار، از نقل همه آنها خوددارى شد (مترجم). ۷۳- براى دو مورد اخير هم زيارتنامه هاىي از منابع اهل سنت آمده است. ۷۴- علامه امينى مى افزايد، بارگاهها و قبور بقيع، پيش از استيلاى تبهكاران، آشكار بود. سمهودى در وفاء الوفاء، ج ۲ ص ۱۰۱ - ۱۰۵ به معرفى آن قبور پرداخته است. ۷۵- منبع آداب و سنن ياد شده در زيارت، از كتب اهل سنت است، از جمله: احياء العلوم، تذكرة، مستوعب، المدخل، شفاء السقام، وفاء الوفاء، المواهب اللدنيه، الجوهر المنظم، مراقى الفلاح، مجمع الانهر، مفتاح السعادة، شرح المواهب، كنز المطالب، الكفايه، الارشادات السنيه، الفقه على المذاهب الاربعه. ۷۶- (صحيح مسلم و ترمذى)، (سنن نسائى) ۴/۸۹، (مستدرک) حاكم ۱/۳۷۴، (مصاييح السنه) بغوى ۱/۱۱۶، (الترغيب و الترهيب) ۴/۱۱۸ و... منابع ديگر. ۷۷- (سنن ابن ماجه) ۱/۴۷۶، (اخبار مکه ازرقى) ۲/۱۷۰، (سنن بيهقى) ۴/۷۷ و... ۷۸- (مستدرک حاكم) ۱/۳۷۵. ۷۹- (مسند احمد) ۳/۲۳۷ و ۲۵۰؛ (سنن بيهقى) ۴/۷۷. ۸۰- (سنن ابى داود) ۱/۳۱۹؛ (سنن بيهقى) ۵/۲۴۹. ۸۱- (اخبار مکه) ازرقى ۲/۱۷۰. ۸۲- (مجمع الزوايد) ۳/۵۸. ۸۳- (سنن بيهقى) ۴/۷۹ و ۵/۲۴۹. ۸۴- (مجمع الزوايد) ۳/۵۸. ۸۵- (سنن بيهقى) ۴/۷۸، (مستدرک حاكم) ۱/۳۷۷. ۸۶- ر.ك: (سنن بيهقى) ۴/۷۹، (مصاييح بغوى) ۱/۱۱۶، (مجمع الزوايد) ۳/۶۰. ۸۷- ر.ك: (مجمع الزوايد) ۹/۲۹۹، (البيان و التبيين) جاحظ ۳/۹۹، (العقد الفريد) ۲/۶. ۸۸- (العقد الفريد) ۲/۸. ۸۹- همان، ص ۷. ۹۰- (المستطرف) ۲/۳۳۸. ۹۱- (العقد الفريد) ۲/۶. ۹۲- (صفة الصفوة) ۳/۸۲. ۹۳- (المدخل) ۱/۲۵۴. ۹۴- (الانوار لاعمال الابرار)، ۱/۱۲۴. ۹۵- (الفتاوى الكبرى للفقيهى)، ۲/۲۴. ۹۶- (المغنى)، ۱/۳۵۷. ۹۷- (رد المحتار على الدر المختار)، ۱/۶۳۰. ۹۸- (حاشيه بر شرح ابن الغزى)، ۱/۲۷۷. ۹۹- (حاشيه بر شرح ابن الغزى)؛ ۱/۲۷۷. ۱۰۰- (رحله ابن جبیر)، ص ۲۲۹. ۱۰۱- (المنتظم)، ۵/۷۵. ۱۰۲- (رحله ابن بطوطه)، ۱/۱۱۶. ۱۰۳- (المنتظم)، ۷/۱۸۷. ۱۰۴- (صفة الصفوة)، ۱/۱۸۷. ۱۰۵- (تاريخ بغداد)، خطيب بغدادى، ۱/۱۵۴. ۱۰۶- (رحله ابن جبیر)، ص ۱۲. ۱۰۷- (الاتحاف بحب الاشراف)، ص ۲۵ تا ۴۰. ۱۰۸- (مشارق الانوار)، ص ۹۲ (در الغدير، اشعار فوق هم نقل شده است). ۱۰۹- (طبقات الحفاظ)، ذهبى، ۱/۱۱۴. ۱۱۰- (تاريخ بغداد)، ۱/۱۲۳. ۱۱۱- (المنتظم)، ۷/۲۰۶. ۱۱۲- (الجواهر المضيئه)، ابن ابى الوفاء، ۱/۴۱۷. ۱۱۳- (رحله ابن جبیر)، ۱۵۳. ۱۱۴- (تاريخ بغداد)، ۱/۱۲۰. ۱۱۵- (شذرات الذهب)، ۲/۴۸. ۱۱۶- (تهذيب التهذيب)، ابن حجر، ۷/۳۸۸. ۱۱۷- همان، ۵/۳۵۴. ۱۱۸- (تاريخ ابن خلکان)، ۲/۲۲۴. ۱۱۹- (تاريخ بغداد)، ۱/۱۲۳. ۱۲۰- (دول الاسلام)، ذهبى، ۲/۱۰۵. ۱۲۱- (وفيات الاعيان)، ابن خلکان، ۲/۳۰۲. ۱۲۲- (دول الاسلام)، ۱/۱۱۴، (رحله ابن بطوطه) ۱/۱۴۲. ۱۲۳- (تاريخ ابن خلکان)، (وفيات الاعيان)، ۱/۱۰۹. ۱۲۴- (الجواهر المضيئه)، ۱/۱۷۰. ۱۲۵- (صفة الصفوة)، ۲/۲۳۲. ۱۲۶- همان، ۲۳۳. ۱۲۷- (المنتظم)، ۶/۱۹۹. ۱۲۸- (تذكرة الخواص)، ۳/۳. (وفيات الاعيان)، ۲/۴۶۹. ۱۲۹- (وفيات الاعيان)، ۱/۲۸۲. ۱۳۰- (البدایه و النهایه)، ابن كثير، ۱۱/۳۵۱. ۱۳۱- (شفاء السقام)، ۲۹. ۱۳۲- (شذرات الذهب)، ۳/۳۳۷؛ (المنتظم)، ۸/۳۱۷. ۱۳۳- (شذرات الذهب)، ۴/۲۳۱ (البدایه و النهایه)، ۱۲/۲۸۴. ۱۳۴- (نيل الابتهاج)، ۶۲. ۱۳۵- (شذرات الذهب)، ۴/۳۴۲. ۱۳۶- (النور السافر) ۸۰ و ۸۱؛

(شذرات الذهب)، ۸/۶۴، ۱۳۷-مؤلف در الغدير ۵۲ مورد را ذکر کرده است که ما بعنوان اختصار. برخی را نیاوردیم (مترجم).

